



The University of Tehran Press

Analyzing the Conceptual Model of Environmental Governance in Iran

Ehsan Tamassoki^{1*} | Sajed Bahrami Jaf² | Erfan Tamassoki³

1. Corresponding Author, Ph.D. of Watershed Management Science and Engineering, University of Hormozgan, Hormozgan, Iran. Email: ehsantamasoki@yahoo.com
2. Postdoctoral Researcher of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: s.bahrami@mail.um.ac.ir
3. Graduated from Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran. Email: etamasoki@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received February 09, 2024
Revised March 07, 2024
Accepted March 11, 2024
Published online 24 March 2024

Keywords:
Sovereignty,
state-nation,
government,
Environmental crisis,
Iran.

ABSTRACT

Today, the concept of environmental governance in Iran is considered as a complex, dynamic and interdisciplinary concept. The evolution of this concept is the result of extensive changes in historical, social, economic and political developments that have gradually led to more attention to environmental protection and participatory, comprehensive and sustainable management of natural resources. Since there is no model of environmental governance that includes all aspects of the process of development and development, this research tries to explore the concept of "environmental governance" in the field of Iranian politics by explaining the concepts of government, government and sovereignty. In this research, an attempt was made to provide a model for understanding the limits and gaps of Iran's environmental governance, based on the definitions provided by macro-political concepts. Based on this, the government is a macro concept, but of course, it is not found, which is defined along with the concepts of "people", "territory" and "sovereignty" and is formed in the framework of the nation-state complex. In the meantime, government consists of three powers, governance is the process and rules that have been implemented, sovereignty is legitimate force and the right to rule that has been given to the government by the people of a territory. In general, environmental governance can be considered as a set of rules, ideas and measures that are used in special historical and geographical conditions to limit the access, exploitation and abuse of natural resources in a territorial territory.

Cite this article: Tamassoki, E.; Bahrami Jaf, S. & Tamassoki, E. (2024). Analyzing the conceptual model of environmental governance in Iran. *Natural Resources Governance*. 1 (1), 1-13. Doi: 10.22059/jnrg.2024.372377.1008



© Ehsan Tamassoki, Sajid Bahrami Jaf, Erfan Tamassoki.
Tehran Press.

Publisher: The University of



واکاوی الگوی مفهومی حکمرانی محیط زیست در ایران

احسان تمسکی^{۱*} | ساجد بهرامی جاف^۲ | عرفان تمسکی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری علوم و مهندسی آبخیزداری، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران. رایانامه: ehsantamasoki@yahoo.com
۲. پژوهشگر پسادکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: s.bahrami@mail.um.ac.ir
۳. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. رایانامه: etamasoki@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

کلیدواژه:

ایران،

بحران محیط زیست،

حاکمیت،

حکومت،

دولت- ملت.

امروزه مفهوم حکمرانی در محیط زیست ایران، مفهومی پیچیده، پویا و میان رشته‌ای محسوب می‌شود. تحول این مفهوم نتیجه تغییرات گسترده در دگرگونی‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که به تدریج به توجه بیشتر به حفاظت از محیط زیست و مدیریت مشارکتی، جامع و پایدار منابع طبیعی انجامیده است. الگویی از حکمرانی محیط زیست در دست نیست که دربرگیرنده ابعاد کامل فرایند توسعه و توسعه یافتگی باشد؛ از این رو این تحقیق می‌کوشد با تبیین مفاهیم دولت، حکومت و حاکمیت، در باب مفهوم «حکمرانی محیط زیست» در عرصه سیاست ایران کاوش کند. در این پژوهش تلاش شد بر مبنای تعاریف ارائه شده از مفاهیم کلان سیاستی، مدلی برای فهم حدود و ثغور حکمرانی محیط زیست ایران ارائه شود. بر این اساس دولت مفهومی کلان و البته ناپیداست که در کنار مفاهیم «مردم»، «سرزمین» و «حاکمیت» تعریف می‌شود و در چارچوب مجموعه دولت-ملت شکل می‌گیرد. حکومت متشکل از قوای سه گانه است، حکمرانی فرایند و قواعدی است که به مرحله اجرا درآمده است و حاکمیت قدرت مشروع و حق سلطه‌ای است که از طرف مردم سرزمین در اختیار دولت قرار گرفته است. به طور کلی حکمرانی محیط زیست را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، ایده‌ها و تدابیری دانست که در شرایط ویژه تاریخی و جغرافیایی به کار گرفته می‌شود تا دسترسی، بهره‌برداری و سوء استفاده از منابع طبیعی موجود در یک قلمرو سرزمینی محدود شود.

استناد: تمسکی، احسان؛ بهرامی جاف، ساجد و تمسکی، عرفان (۱۴۰۳). واکاوی الگوی مفهومی حکمرانی محیط زیست در ایران. نشریه حکمرانی منابع طبیعی، ۱ (۱) ۱-۱۳.

© احسان تمسکی، ساجد بهرامی جاف، عرفان تمسکی.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

Doi: 10.22059/jnrg.2024.372377.1008



مقدمه

شاید تفاوت جهان امروز با گذشته در این باشد که سازگاری انسان و اجتماع با محدودیت‌های اکولوژیکی، اغلب درون چارچوب یکی از مظاهر دوره مدرن یعنی ملت- دولت حاصل شده است (Duit, 2005). در طول تاریخ بشر، گروه‌ها، جوامع و تمدن‌ها با محیط‌زیست خود در ارتباط بوده‌اند، اما تنها ملت- دولت‌های مدرن‌اند که از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مسائل محیط‌زیستی را به‌مثابه امری سیاسی مدنظر قرار داده‌اند. با بروز پیامدهای زیانبار تخریب جهانی محیط‌زیست ارتقای مسائل محیط‌زیست به برنامه کاری دولت‌ها در حالی صورت گرفت که این مسائل پیش از آن در دایره مسائل بهداشت عمومی جای می‌گرفتند (Abdollahi and Faryadi, 2010). با اینکه سیاست‌های محیط‌زیستی به تدریج از سطح ملی به سطح بین‌المللی پیش می‌روند، ملت- دولت همچنان جایگاه نخستین خود را در عرصه مدیریت محیط‌زیست داراست. علی‌رغم تمامی سروصداهایی که تخریب محیط‌زیست را نتیجه مسائل جهانی شده دوره مدرن می‌داند، در واقع این ملت- دولت‌ها هستند که در حال مدیریت مناسب منابع خود یا دچار سوء مدیریت‌اند (Duit, 2005). از آنجا که ملت- دولت‌ها همچنان بنیادی‌ترین وجه سازمان اجتماعی، سیاسی و تصمیم‌گیری باقی مانده‌اند، توجه به این نکته ضروری است که تفاوت شکلی و انواع و اقسام دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی ممکن است بر قابلیت حل مسائل و حکمرانی محیط‌زیست اثرگذار باشد. هدف از مفهوم حکمرانی، درک پیچیدگی‌های فرایندهای جهانی سیاست است. امروزه تمایز میان کسانی که حکمرانی می‌کنند و کسانی که تحت حکمرانی قرار می‌گیرند بیش از پیش مبهم شده است. فرایندهای حکمرانی در رابطه میان دولت، بازار و جامعه مدنی رخ می‌دهد و شکل‌های گوناگونی می‌پذیرد (Paul-Wostl, 2018). یکی از دلایل ناکامی در مسیر توسعه، نداشتن الگوی ملی و بومی برای حکمرانی متناسب با ارزش‌های اجتماعی و سازگار با شرایط فرهنگی و تاریخی ایران است (Oskouhi and Esmaeili, 2021). از سوی دیگر، تحول مفهوم حکمرانی محیط‌زیست در ایران، پدیده پویا و پیچیده‌ای است که در دهه‌های اخیر به‌منزله چالشی جدی در حوزه‌های محیط‌زیست و توسعه پایدار به آن توجه شده است. این تحول، نتیجه تغییرات گسترده در دینامیک‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور است که به تدریج به توجه بیشتر به حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت جامع و پایدار منابع طبیعی انجامیده است. بررسی این تحول نه تنها نشان‌دهنده تحولات ذهنیت اجتماعی نسبت به مسائل محیط‌زیست است، بلکه نقش برجسته حکومت و نهادهای مرتبط در توجه به این مسائل را نیز متضمن می‌شود. با اینکه ملت- دولت‌ها، ابزارها و نهادهای خود را در مدیریت محیط‌زیست در اختیار دارند، نکته حیاتی در اینجا تعامل بین حاکمیت و جوامع مدنی و نیز ایجاد فضایی برای مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط‌زیست است. جوامع مدنی با افزایش آگاهی عمومی و ترویج انگیزه‌های اجتماعی برای حفاظت از محیط‌زیست، به ارتقای حکمرانی محیط‌زیستی کمک می‌کنند. تحولات مفهوم حکمرانی محیط‌زیست در ایران نیز نمونه‌ای از این فرایند پویا و تکاملی است. با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران معاصر تبیین مفاهیم مرتبط با محیط‌زیست پیش‌نیاز دستیابی به توسعه پایدار منابع طبیعی است. اینگونه پژوهش‌ها از آن‌رو ضرورت دارند که لازمه رسیدن به چارچوب روش‌شناسی مشخص برای حل مسائل محیط‌زیستی و تبدیل شناخت حاصل از دانش فنی به سیاست‌گذاری، تبیین مفاهیم مرتبط‌اند. به‌طور کلی هدف این پژوهش به کارگیری روش تحلیلی- توصیفی و ارائه‌ی مدلی مفهومی برای مفهوم «حکمرانی محیط‌زیست» با توجه به ساختار حکمرانی ایران است.

مبانی نظری

دولت ملی یا ملت- دولت در جهان امروز عالی‌ترین صورت نظم سیاسی است که در آن فرض بر آن است که ملت، اجتماع انسانی کم‌وبیش همگونی است که حس ملیت مشترک دارد و در درون مرزهای تعیین‌شده یک دولت مستقل زندگی می‌کند (Ashoori, 2009). دولت‌ها به عبارت دقیق‌تر دولت- ملت، به کل نظام سیاسی جامعه اعم از قوای سه‌گانه، مردم و نهادهای برخاسته از آن‌ها

^۱ Governance

^۲ Environmental governance

^۳ Nation-State

^۴ State

اطلاق می‌شود که برخلاف حکومت، پایدار و فراگیر است. حکومت به معنای شخص، اشخاص و سازوکارها یا برنامه‌های آن‌ها برای اداره جامعه در مقطع زمانی خاصی است که به طور معمول با دوره‌های انتخاباتی تعیین می‌شود. حاکمیت، عمل حکومت یا به بیان روشن‌تر، قواعد و ضوابطی است که مبنای کار حکومت‌کنندگان و سازوکارها و برنامه‌های آن‌ها قرار می‌گیرد. حاکمیت در دولت-ملت متجلی می‌شود (Golshan, 2006). واژه دولت (State) از ریشه لاتینی Stare به معنای ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه Status به معنای وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. امروزه در زبان انگلیسی، واژه شآن یا منزلت (Status) به همان معنای اصیل لاتینی آن به کار برده می‌شود. این لفظ به طور معمول به چیزی اطلاق می‌شود که مستقر، پابرجا و در وضع خاصی ثابت و پایدار باشد. این مفهوم به صورت بسیار ظریفی از سطح کاربرد درباره افراد به سطح کاربرد در مورد نهادها و قدرت سیاسی انتقال یافته است (Vincent, 2015). در تعریفی دیگر ضمن مقایسه برداشت عمومی از دولت با مفهوم علمی آن، لفظ دولت به این صورت تعریف شده است: جمعی از افراد بشر که سرزمین معینی را در تصرف حاکمانه خویش دارند و در آن حکومتی برای خود تشکیل داده‌اند و مطیع و تابع هیچ قدرت خارجی نیستند (Alikhani, 2002). سرانجام بنا به نظر دایسون^۳ که پذیرش بیشتری یافته در تعریف دولت آمده است: «دولت چارچوبی از ارزش‌هاست که زندگی عمومی درون آن جریان می‌یابد و خود قدرت عمومی را برای تحقق آن ارزش‌ها به کار می‌برد.» دولت دو عنصر اساسی دیگر هم دارد که عبارت‌اند از: ملت و کشور؛ این سه عنصر از نظر تاریخی ثابت و پایدارند، درحالی که نظام حکومت (رژیم) دگرگونی‌پذیر است (Ashoori, 2009). نکته بسیار مهمی که از قرن شانزدهم و پس از ارائه نظریات نیکولو ماکیاولی^۴، توماس هابز^۵ و به ویژه ژان بَدَن^۶ از یک سو و تشکیل دولت‌های ملی از سوی دیگر مطرح شد، ویژگی‌هایی است که لازمه وجود دولت‌اند؛ اینکه دولت در هر جامعه باید یگانه، عالی‌ترین مرجع و واضع قانون باشد (Foster, 2016). این حکم عام و مطلق است. البته باید در نظر داشت که این نحوه معرفی دولت در خصوص اینکه دولت قوانین خود را بر چه اساس وضع می‌کند یا چگونه آن‌ها را به اجرا درمی‌آورد سکوت اختیار می‌کند. این دو موضوع، اساس و نحوه اعمال حاکمیت را شکل می‌دهند. کما اینکه در مواردی که حاکمیت از نوع الهی تعریف شده است (از جمله در ایران طبق اصل ۵۶ قانون اساسی)، باز هم این هیئت انسانی است که آن را به نحوی که مصلحت می‌داند، البته در فرایندی مدون یا عرفی اعمال می‌کند (Golshan, 2016). به طور کلی، دولت ساخت قدرتی است که در سرزمینی معین (کشور) بر مردمانی معین (ملت)، تسلط پایدار دارد. از نظر داخلی نگرهبان نظم و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین و یکایک شهروندان خویش است. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی فعلیت می‌یابد. در نظام مبتنی بر «تفکیک قوا»، حکومت قوه اجرایی دولت را تشکیل می‌دهد (Ashoori, 2009).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید و به لحاظ هدف پژوهش، بنیادین و از نوع توصیفی-تحلیلی است. پژوهش‌های توصیفی در بُعد بنیادی به کشف حقایق و واقعیت‌های جهان خلقت می‌انجامند (Hafeznia, 2022; Tamassoki and Kolahi, 2023). این پژوهش با توجه به شیوه اجرا، مرور نظام‌مند^۷ محسوب می‌شود. بررسی‌های نظام‌مند روشی مؤثر به منظور نظام‌بخشی به مطالعات پراکنده و ارزیابی و تحلیل مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش است. اوکلی و شابران^۸ در سال ۲۰۱۰ چارچوبی را برای مراحل اجرای مطالعات به شیوه مرور نظام‌مند ارائه کرده‌اند که در پژوهش‌های متعدد به‌منزله دستورالعمل استفاده می‌شود (Okoli and Schabram, 2015). پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب مذکور و در قالب مراحل ترسیم‌شده در شکل ۱

^۱ Government

^۲ Sovereignty

^۳ Dyson

^۴ Niccolò Machiavelli

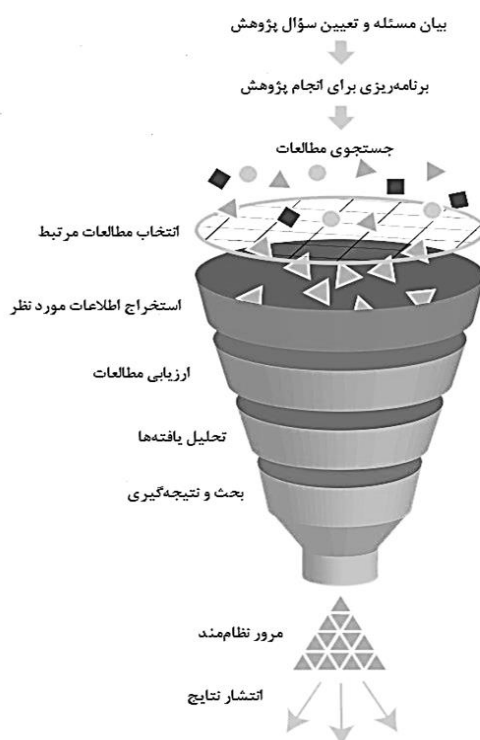
^۵ Thomas Hobbes

^۶ Jean Bodin

^۷ Systematic Review

^۸ Okoli and Schabram

انجام گرفته است. اطلاعات با استفاده از روش اسنادی جمع‌آوری و با مراجعه به پایگاه‌های علمی، کتب و مجلات علمی - پژوهشی داخلی و خارجی استخراج شد. برای اجرای پژوهش در مرحله نخست موضوعات کلیدی مفهوم حکمرانی تبیین شد. در مرحله بعد با شناسایی و ارزیابی منابع و پژوهش‌های انجام‌گرفته در دو سطح ملی و فراملی در زمینه حکمرانی محیط‌زیست، مقولات اساسی استخراج و تدوین شد. بر این اساس ابتدا با بررسی و مطالعه منابع مرتبط، مفاهیم هم‌دسته، شناسایی و استخراج شد. سپس مفاهیم احصاشده، بر اساس ارتباط موضوعی و مفهومی دسته‌بندی شدند. همچنین به‌منظور اطمینان از مقبولیت و عینیت نتایج، یافته‌ها بازنگری چندباره شدند. در نهایت مفاهیم و یافته‌ها در قالب مفاهیم کلان و مدل مفهومی سازماندهی شدند.



شکل ۱. چارچوب مطالعات به شیوه مرور نظام‌مند و مراحل اجرای آن‌ها
مأخذ: (Okoli and Schabram, 2015)

یافته‌ها

حاکمیت

حاکمیت سیال‌ترین جنبه حیات هر اجتماع انسانی است. اگر دولت - ملت به جنبه‌های هستی‌شناسانه و حکومت به سازوکارهای اجرایی دلالت دارند، حاکمیت به دلیل و چارچوبی اشاره دارد که به‌وسیله آن آرمان‌ها، هدف‌ها، منظورها و مقصودهای مردم و نحوه دستیابی به آنها تبیین می‌شود. حاکمیت در یک برداشت به اراده برتر اطلاق می‌شود: قدرت برتر فرماندهی با امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر (Ghazi, 2019)؛ و در برداشت دیگر به کار بردن قدرت عالی و حاکمیت یعنی قدرت مطلق و نامحدود (Heywood, 2014) به‌منظور اراده و وجود قدرت مطلق اعمال قانون است؛ اعم از قوانین موضوعه یا قوانین الهی. حاکمیت به جنبه‌های داخلی - نسبت به نیروهای درون جامعه و خارجی - نسبت به دولت‌های دیگری نیز معطوف است که به‌ترتیب به قدرت عالی و استقلال دولت مربوط می‌شوند (Golshan, 2006). حاکمیت عاملی است که کیفیت بقای دولت را تعیین و چگونگی یا مبنای استخراج خطمشی‌ها، تصمیم‌ها و روش‌هایی را تبیین می‌کند که امروزه در مدیریت به آن راهبرد گفته می‌شود. حاکمیت دو جنبه دارد: نخستین جنبه یگانگی، غایت و تمامیت دولت - ملت را تبیین می‌کند؛ جنبه دوم چگونگی عمل حکومت را تعیین می‌کند که در شیوه‌های تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری و اجرای آن‌ها جلوه‌گر می‌شود (Kjær, 2004). در گذشته اراده حاکم هم عالی‌ترین مبنا و هم واضح اصول و قواعد بازی بود و از این رو واژه حاکمیت مبین هر دو مفهوم بود؛ ولی با پیدایش حکومت‌های قانون‌سالار و به‌ویژه پس از سال‌های توسعه دولت‌های بزرگ به‌خصوص

در کشورهای جهان سوم، در دهه ۱۹۷۰ موضوع نحوه اداره و اصلاح اصول و قواعد بازی با طرح مفهوم Governance که به درستی به معنای حاکمیت است، در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. البته این فرایند ملازم بوده است با گسترش نهادها و مؤسسات بین‌المللی و پدیده جهانی شدن که با تحدید حاکمیت به معنای عالی‌ترین مرجع از یک سو و گسترش و نفوذ حاکمیت به معنای اصول و قواعد بازی در مقاله‌نامه‌های منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر همراه است. به هر حال رفته‌رفته حاکمیت - به معنای اصول و قواعد بازی که باید بر پایه عقل و خرد استوار باشد - مبنای رابطه اشخاص (چه طبیعی و چه حقوقی) در سطوح مختلف اعم از داخل مؤسسات و نهادهای حکومت‌ها و جوامع و بین دولت‌ها در عرصه جهانی قرار می‌گیرد (Golshan, 2006).

حکومت

ارائه تعریفی جامع و دقیق از حکومت نسبت به دولت به مراتب دشوارتر است، زیرا دولت‌های جوامع مختلف در شکل‌های حکومت‌های خاص آن جوامع ظاهر می‌شوند؛ تا آنجا که در مفهوم دولت و حکومت به هم می‌آمیزند و تفکیک آن‌ها دشوار می‌شود. از جمله این موارد تعریفی است که در فرهنگ سیاسی درباره حکومت آمده است: واژه حکومت واژه‌ای عام است که از آن هم برای تشریح پیکرهایی که در یک واحد مشخص، قدرت را در دست دارند - چه در سطح ملی، منطقه‌ای چه محلی - و هم کل نظام سیاسی استفاده می‌شود (Robertson, 2004). حکومت ویژگی‌هایی دارد: تجسم یا جلوه دولت در هر لحظه، فرمانروا اعم از اینکه فرد یا هیأت دولت را شامل باشد، قوه اجرایی دولت است، نسبت به دولت که پایدار است متغیر است، در مقایسه با دولت که وجود مجرد ذهنی است که در دنیای خارج از ذهن قابل رؤیت و درک نیست، وجودی عینی و محسوس دارد (Alikhani, 2002). مهم‌ترین وظیفه حکومت، اجرای خواست دولت، و از آن هم مهم‌تر اعمال حاکمیت است؛ زیرا دولت فعال نیست، ولی مدعی حاکمیت است؛ حاکمیتی که برای عنصر اصلی تشکیل‌دهنده آن، یعنی مردم یا ملت که فلسفه وجودی هر دو را پدید می‌آورد، نوعی آرمان با ارزش محسوب می‌شود. حکومت ابزار است، باید بتواند اصلاح‌پذیر باشد و برای این منظور است که سازوکار پاسخگویی برای آن در نظر گرفته می‌شود. حکومت بین دو لبه نه‌چندان منعطف دولت و حاکمیت قرار گرفته و ناچار است به نحوی عمل کند که با وجود کمیابی منابع و فرصت‌ها باز هم بتواند در قدرت بماند و خود و احتمالاً دولت و حاکمیت را در خطر نیندازد. سازوکار تضمین موفقیت حکومت، در محتوا و شیوه کار آن است، مواردی که اندازه مناسب حکومت را نیز تعیین می‌کند (Golshan, 2006). خلاصه کلام آنکه حکومت در لغت به معنای فرمانفرمایی و حکمرانی است و بدین معنا، برای وجود رابطه پایدار فرماندهی و فرمانگزاری میان فرمانفرما و فرمانگزار لازم است. در سیاست به معنای دستگاه فرمانروا در کشور است و به این معنا، دولت نیز هم‌ردیف یا به جای آن به کار برده می‌شود. ولی در علم سیاست و حقوق جدید میان «حکومت» از یک سو و «دولت» یا «کشور» از سوی دیگر فرق گذاشته می‌شود. در نظام‌های قانونی جدید که در آن‌ها «تفکیک قوا» و اصل حکومت قانون به رسمیت شناخته شده است، حکومت به معنای «قوه اجرایی» به کار می‌رود، یعنی مجموع دستگاه اداری، سیاسی، انتظامی و نظامی کشور که در رأس آن هیئتی به نام کابینه یا هیئت وزیران قرار دارد و کشور را بر طبق قانون‌های وضع شده در قوه قانون‌گذار و زیر نظارت آن اداره می‌کند. در رأس هیئت دولت، رئیس دولت یا حکومت قرار دارد که در بعضی نظام‌ها نخست‌وزیر و در برخی دیگر رئیس‌جمهور است که در صورت اخیر مقام رئیس حکومت و «رئیس دولت» با هم یکی می‌شود و با هیئت وزیران در برابر مجلس مسئول و پاسخگو است؛ بنابراین، حکومت برابر است با «هیئت وزیران» یا «کابینه» که به طور معمول به نام شخص خاصی که در رأس آن است نامیده می‌شود، مانند «حکومت قوام» یا «حکومت مصدق». بنابراین حکومت تغییرپذیر است، درحالی که دولت یا کشور به لحاظ نظری پایدار است. کلمه حکومت اگر با صفتی به کار برده شود، برای مشخص کردن نوع رژیم سیاسی است، چنانکه گفته می‌شود «حکومت پارلمانی»، «حکومت دموکراسی» (Ashoori, 2009).

حکمرانی

ریشه‌یابی کلمه حکمرانی ما را به فعل Kuberman به معنای راهبری یا هدایت کردن می‌رساند. واژه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی طراحی یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به کلمه لاتین Gubernare تبدیل شده است که بر راندن،

حکمرانی کردن یا راهبری دلالت دارد. این واژه آن چنان که از فرهنگ واژگان Concise Oxford Dictionary برمی آید با حکومت^۱ نیز هم‌معنا بوده است، که منظور از آن عمل یا شیوه حکومت کردن یا کار کرد حکومت است (Yousefi and Babaei, 2018). هرچند کاربرد اصطلاح حکمرانی سابقه تاریخی دارد، کاربرد نوظهور آن از ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. حکمرانی مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها تعریف می‌شود (Levinsohn, 2003). حکمرانی را مجموعه‌ای از قوانین و نهادها که حاکمان در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها در همه سطوح نیز تعریف کرده‌اند (ADB et al., 2016). بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی می‌تواند بر گستره وسیعی، از دولت‌ها گرفته تا سازمان‌های رسمی و غیررسمی، و قومیت‌ها و خانواده‌ها متمرکز باشد و از طریق گستره وسیعی از قوانین، هنجارها یا قدرت پیاده شود (Bevir, 2012). به‌طور کلی حکمرانی به گستره‌ای از سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداری گفته می‌شود که برای مثال در مورد منابع آب، منابع و سیستم‌های انتقال آب را در سطوح مختلف جامعه مدیریت می‌کند و توسعه می‌دهد. از این رو حکمرانی محیط‌زیست بیشتر درباره روش‌های تصمیم‌گیری است؛ مانند اینکه چگونه، توسط چه کسی و تحت چه شرایطی این تصمیم‌ها گرفته می‌شود (Oskouhi and Esmaili, 2021).

حکمرانی محیط‌زیست

حکمرانی دولت بر محیط‌زیست، با توجه به ویژگی‌های خاص آن از اهمیت زیادی برخوردار است. نوع و نحوه اعمال حقوق حاکمه، در قلمرو تحت حاکمیت دولت، در وضعیت محیط‌زیست نقش بسزایی دارد. محیط‌زیست بسان کالبدی واحد است که همه عناصر آن با هم ارتباط تنگاتنگ دارند (جدول ۱). از موارد استثنایی که بگذریم، کشورها تنها در حیطه و محدوده سرزمین خود اعمال قدرت می‌کنند. به عبارت دیگر، مرزها حد اعمال صلاحیت دولت‌ها را مشخص می‌کنند. چنین امری برای عناصر محیط‌زیستی معنا ندارد، زیرا عناصر مزبور به راحتی مرزهای سیاسی را درمی‌نوردند. بهره‌برداری نامعقول از منابع طبیعی، افزون بر مناطق تحت صلاحیت دولت بهره‌بردار، به راحتی می‌تواند آثار و تبعاتی برای مناطق تحت صلاحیت سایر دولت‌ها داشته باشد (Ramezani, 2014). (Qawamabadi and Simai Saraf, 2014). حکمرانی محیط‌زیستی شامل مجموعه‌ای از ایده‌ها و تدابیری است که حکومت در شرایط ویژه تاریخی و جغرافیایی خود به کار می‌بندد تا دسترسی، بهره‌برداری و سوءاستفاده از منابع طبیعی موجود در قلمرو سرزمینی خود و خدمات بوم‌سازگان موجود در این قلمرو سرزمینی را محدود کند (Ioris, 2014). در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حاکمیت یکی از اصول پایه‌ای محیط‌زیست است. در مفهوم کلاسیک، حاکمیت منابع طبیعی به عنوان مشروعیت تحت حاکمیت دولت‌ها در نظر گرفته شده‌اند. این اصل در دوران اخیر تسری یافته است تا منابع را در سطح وسیعی از مناطق مانند منطقه فلات قاره و منطقه اقتصادی کنترل کند. در اعمال حاکمیت دولت بر حیطه محیط‌زیستی مسائلی هم‌چون ذخایر مشترک ماهیان و مهاجرت گونه‌های وحش دخیل‌اند که در عین حال که این نمونه‌ها بخش مهمی از مسائل محیط‌زیستی را تشکیل می‌دهند، به صلاحیت سرزمینی محدود نمی‌شوند و با اصل حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز در تعارض قرار می‌گیرند. دولت‌ها بر اساس اصل حاکمیت برای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست خود آزادند، ولی اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست روش بهره‌برداری از منابع طبیعی را محدود می‌کنند (Zarei et al., 2017).

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای مفاهیم در منابع تحقیق

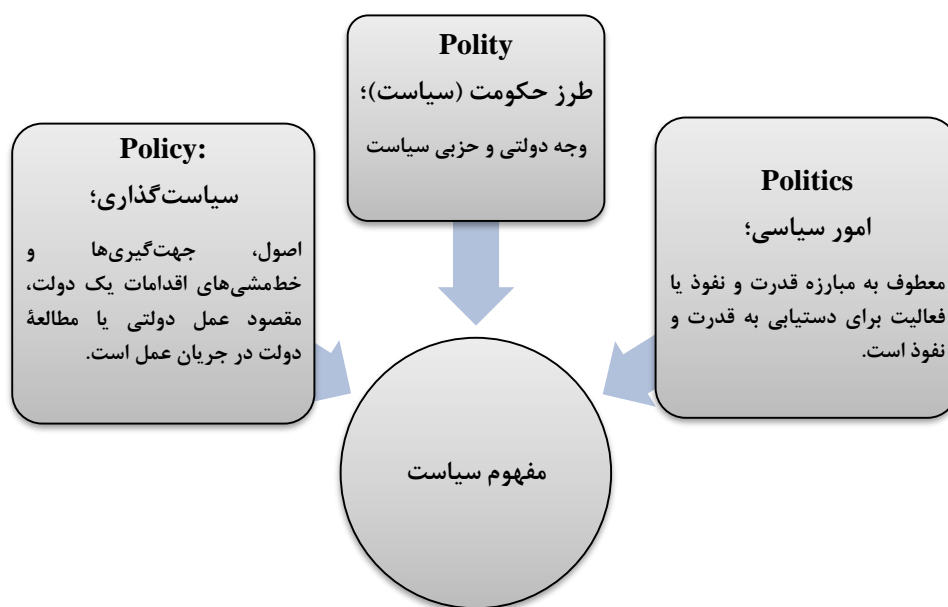
واژگان	معادل انگلیسی	منبع	تعریف
		O'Sullivan, 2013	نظامی از دستگاه اداری یکپارچه و مستمر در سراسر سرزمین دولت مدرن
		Vincent, 2015	دولت به‌طور معمول به چیزی اطلاق می‌شود که مستقر، پابرجا و در وضع خاصی ثابت و پایدار باشد.
دولت	State	Ashoori, 2009	ساخت قدرتی که در سرزمینی معین (کشور) بر مردمی معین (ملت)، تسلط پایدار دارد.
		group, 2017	عامل / کنشگر اصلی صحنه بین‌المللی که دارای جمعیت دائم، قلمرو مشخص و حکومت برخوردار از حاکمیت است و در روابط بین‌المللی حقوقی معین دارد.
		Sait et al., 1941	دولت در هر جامعه باید یگانه، عالی‌ترین مرجع و واضح قانون باشد

^۱ Government

واژگان	معادل انگلیسی	منبع	تعریف
		Panahi, 1998	جمعی از افراد بشر که سرزمین معینی را در تصرف حاکمانه خویش دارند و در آن حکومتی برای خود تشکیل داده‌اند و مطیع و تابع هیچ قدرت خارجی نیستند.
ادامه جدول ۱.			
		Springer et al,) IUCN, 2021 (2021	سیال‌ترین جنبه حیات هر اجتماع انسانی است.
		Kjær, 2004	حاکمیت عاملی حیاتی در عدالت اجتماعی، اثربخشی و پایداری استفاده از منابع طبیعی و حفاظت است.
حاکمیت	Sovereignty	فرهنگستان زبان و ادب فارسی (group, ۲۰۱۷)	حاکمیت عاملی است که کیفیت بقای دولت را تعیین و چگونگی یا مبنای استخراج خط‌مشی‌ها، تصمیم‌ها و روش را تبیین می‌کند. اختیار یا قدرت عالیّه یکپارچه دولت برای وضع و اعمال قوانین در سرزمین‌های تحت صلاحیت خود
		Griffiths and Giddens, 2006	حاکمیت، حق انحصاری حکومت برای نظارت بر یک قلمرو ارضی معین است.
		Robertson, 2004	پیکره‌ای که در یک واحد مشخص، قدرت را در دست دارد.
حکومت	Government	Alikhani, 2002	در مقایسه با دولت که وجود مجرد ذهنی است که در دنیای خارج از ذهن قابل رؤیت و درک نیست، وجودی عینی و محسوس دارد.
		فرهنگستان زبان و ادب فارسی (group, 2017)	سازوکاری قاعده‌مند متشکل از نهادها و قوانین برای حکمرانی در سطح محلی و منطقه‌ای و ملی
		Bevir, 2012	حکمرانی متمرکز بر گستره وسیعی (از دولت‌ها گرفته تا سازمان‌های رسمی و غیررسمی و طایفه‌ها و خانواده‌ها) است؛ و از طریق گستره وسیعی از ابزارها، شامل قوانین، هنجارها یا قدرت پیاده شود.
		Meehan, 2003	موضوعی است میان‌رشته‌ای که پژوهشگران آن عمدتاً بر مباحثی از قبیل تکه‌تکه کردن قدرت میان سطوح دولتی و فرودولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکای روزافزون بر انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان متمرکزند.
		Graham (استیتو حکمرانی اوتاوا) et al, 2003; Weiss, 2000	حکمرانی، ترکیبی است از سنت‌ها (قواعد و آداب و رسوم) نهادها و فرایندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیم‌ها در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌شود.
حکمرانی	Governance	انستیتو فناوری توکیو (Doombos, 2003)	مفهوم حکمرانی به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که به وسیله آن‌ها جامعه به‌طور رسمی و غیررسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات می‌پردازد.
		بانک جهانی (Levinsohn, 2003)	حکمرانی به‌عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها
		فرهنگستان زبان و ادب فارسی (group, 2017)	اعمال حاکمیت و نحوه اعمال آن
		برنامه توسعه سازمان ملل متحد (Murphy, 2006)	قوانین حاکم بر یک سیستم سیاسی که تعارض میان بازیگران را مدیریت کرده و تصمیم‌گیری می‌کند.
		Ioris, 2014	مجموعه‌ای از ایده‌ها و تدابیری است که حکومت در شرایط ویژه تاریخی و جغرافیایی خود به‌کار می‌بندد تا دسترسی، بهره‌برداری و سوء استفاده از منابع طبیعی موجود در قلمرو سرزمینی خود و خدمات بوم‌سازگان موجود در این قلمرو سرزمینی را محدود کند.
حکمرانی محیط‌زیست	Environmental governance	Batterbur and Fernand, 2006	یک حوزه سیاست و تحقیق مجزا که خاصه درباره گسترش دانش نظری در زمینه عدالت محیط‌زیستی و پایداری پدیدار شده است.
		Korkmaz and Parlak, 2020	تعریف فرایندهای تصمیم‌گیری و حل مشکلات محیط‌زیستی توسط نهادها و فعالان رسمی و غیررسمی
		Paul-Wostl, 2018	نقشی اجتماعی که توسعه و مدیریت منابع و تأمین خدمات در سطوح مختلف جامعه را تنظیم می‌کند و منابع را به‌سوی وضعیتی مطلوب پیش می‌برد.

مدلی مفهومی حکمرانی محیط زیست ایران

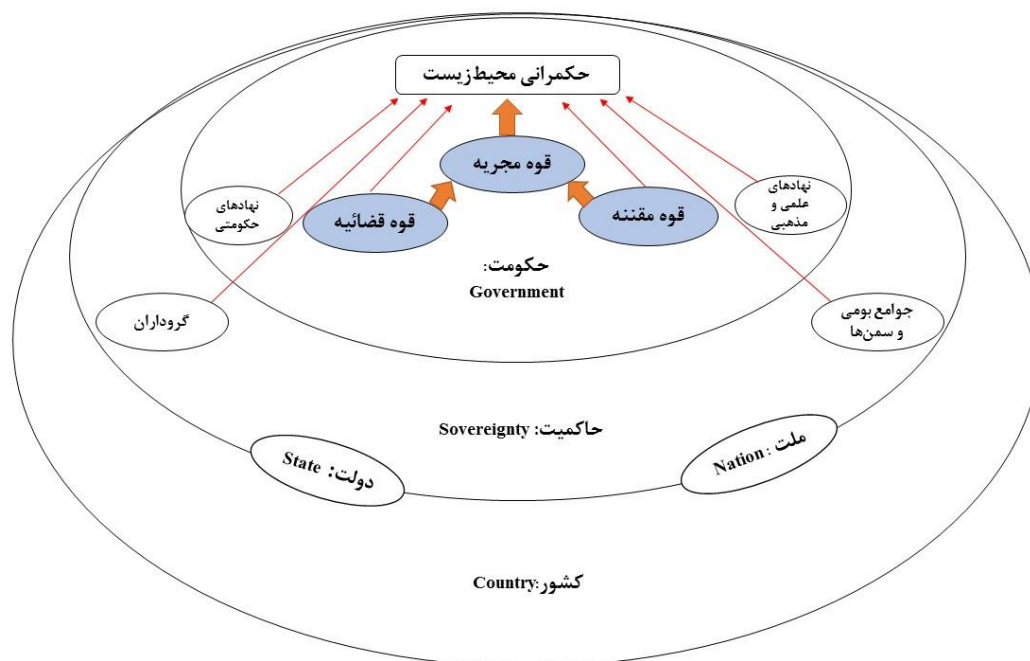
واژگان در بستر معنایی خود و در ارتباط با فلسفه و تاریخ معنا دارند و هر زمان بدون در نظر گرفتن الزامات زمانه به جامعه تزریق شوند، نه تنها اجرایی نمی‌شوند، بلکه از معنا نیز تهی خواهند شد. کلمات ریشه دارند و در چارچوب‌های معرفتی که مورد اجماع نظر دانشمندان است، بازتعریف می‌شوند. در پژوهش‌ها، اسناد و قوانین تصویب‌شده، تفاوت معنایی بین مفاهیم حکومت، دولت، حاکمیت و حکمرانی درست ایضاح نشده است. بنابراین در این پژوهش با مروری بر این مفاهیم به ارائه یک مدل مفهومی در سپهر دانش سیاست ایران پرداخته شد. برای واژه سیاست متخصصان در متون علمی، منابع فرهنگ و لغت فارسی معانی گسترده، متفاوت و گاه متضادی را برمی‌شمرند (Zarei, 2013). از این رو نخست برای ارائه مدل مفهومی حکمرانی محیط زیست ایران باید مفهوم «سیاست» ایضاح شود. به نظر می‌رسد در گفتمان دانش سیاست، امری که ما «سیاست» می‌فهمیم در سه مفهوم سیاست‌گذاری، طرز حکومت و امور سیاسی تعریف شده و کاربرد هر یک از این مفاهیم به جای دیگری مشکل‌آفرین است (شکل ۲). بر این اساس سیاست گاه مفهوم حکومت و فرمانروایی را می‌رساند که بر بنیاد فرماندهی و فرمان‌برداری استوار است که یعنی طرز حکومت؛ گاه هنجارها و بایدها و نبایدها را بیشتر مدنظر قرار می‌دهد که یعنی امور سیاسی؛ و گاه به مفهوم حل‌وفصل منازعه و پایان دادن به آن است که یعنی سیاست‌گذاری (Zarei, 2013).



شکل ۲. ابعاد سه‌گانه مفهوم سیاست، اقتباس از (Ashoori, 2009؛ Ashtarian, 2023؛ Zarei, 2013)

از آنجا که الگویی از حکمرانی محیط زیست در دست نیست که ضمن جامعیت دربرگیرنده ابعاد کاملی باشد، در این پژوهش تلاش شد بر مبنای تعاریف ارائه‌شده از مفاهیم کلان سیاستی و با توجه به شرایط خاص ایران، مدلی برای فهم حدود و ثغور حکمرانی محیط زیست ارائه شود. بر این اساس دولت مفهومی کلان و البته ناپیدا است که در کنار سه عنصر «مردم»، «سرزمین» و «حاکمیت» تعریف می‌شود و در چارچوب مجموعه دولت-ملت شکل گرفته است. در این بین، حکومت متشکل از قوای سه‌گانه است و حکمرانی فرایند و قواعدی است که به مرحله اجرا درآمده است. حاکمیت قدرت مشروع و حق سلطه‌ای است که از طرف مردم سرزمین در اختیار دولت قرار گرفته است. در نهایت «حکمرانی محیط زیست» را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، ایده‌ها و تدابیری دانست که حکومت در شرایط ویژه تاریخی و جغرافیایی خاص و تحت تأثیر بازیگران مختلف عرصه سیاسی به کار می‌گیرد تا دسترسی، بهره‌برداری و سوءاستفاده از منابع طبیعی موجود در یک قلمرو سرزمینی محدود شود (شکل ۳). الگوی حکمرانی محیط زیست در ایران به منزله یک

ساختار کلان، در ارتباط با جغرافیا و جنبه‌های سیاسی و جغرافیایی کشور تبیین می‌شود. در این الگو، دولت به‌عنوان یک واحد جامع در کنار مردم، سرزمین و حاکمیت قرار دارد. این ارتباطات در چارچوب دولت-ملت شکل می‌گیرند که هم ابعاد سیاسی و هم جنبه‌های جغرافیایی در آن تأثیرگذارند. از سوی دیگر از جنبه جغرافیایی سیاسی نیز نوع ساختار حکومتی در ایران که شامل قوای سه‌گانه است، تأثیر بسیاری در حکمرانی محیط‌زیست دارد. تعامل بین این قوا در تدوین و اجرای سیاست‌های محیط‌زیستی نقش بسزایی دارد. سیاست‌ها و قوانینی که توسط دولت ایران تدوین می‌شود، در جهت مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست اجرا می‌شوند. بنابراین درک حکمرانی محیط‌زیست جزء جدایی‌ناپذیر جغرافیای سیاسی ایران است، زیرا به درک ابعاد فضایی تصمیم‌های سیاسی، توزیع منابع و تعامل بین جوامع انسانی و بسترهای طبیعی آن‌ها کمک کرده است و چارچوبی برای تحلیل پیچیدگی‌های محیط‌زیستی در فضای جغرافیایی ایران فراهم می‌کند.



شکل ۳. مدلی مفهومی از «حکمرانی محیط‌زیست» در ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در دوره حاضر، با افزایش بحران‌های محیط‌زیستی و نیاز به تدابیر جدی برای حفاظت از محیط‌زیست، حوزه سیاست‌گذاری محیط‌زیست با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. این چالش‌ها هم برآمده از تعدد و شدت بحران‌های محیط‌زیستی است و هم از پیچیدگی روابط بین طبیعت و جوامع بشری به وجود آمده است. به همین دلیل، لزوم تفکر و بررسی دقیق‌تر مفاهیم مرتبط با محیط‌زیست در حوزه علوم سیاسی بیش از پیش احساس می‌شود. امروزه، توجه به توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تعامل بین علوم سیاسی و محیط‌زیست به مفهوم عام (شامل مباحث آب، منابع طبیعی، کشاورزی و حیات وحش) به‌عنوان ضرورتی جدید مطرح شده است. یکی از مفاهیمی که در این سیاق به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای محیط‌زیستی اضافه شده مفاهیم مرتبط با «حکمرانی محیط‌زیست» است. همسو با تبیین Ashtarian (۲۰۲۳)، می‌توان گفت «مفهوم حکمرانی محیط‌زیست» جنبه‌ای ضروری از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است که امروزه جنبه کاربردی پیدا کرده است. چنانکه یافته‌های Janparvar و همکاران (۲۰۲۲) و Tamassoki و همکاران (۲۰۲۱)، نشان می‌دهند ارتقاء حکمرانی محیط‌زیست به استفاده پایدار از منابع طبیعی، مسئله‌شناسی، ترویج عدالت اجتماعی و حمایت از توسعه اقتصادی و در نهایت ایجاد فضای بسامان و توسعه سیاسی در فضاهای جغرافیایی کمک خواهد کرد. حکمرانی محیط‌زیست به‌طور کلی به اقتدار و مدیریت در حوزه محیط‌زیست اشاره دارد. این مفهوم می‌تواند شامل اقدام‌ها و تصمیم‌های گوناگون دولت یا حاکمیت با هدف حفاظت از محیط‌زیست، مدیریت منابع طبیعی و ترویج

توسعه پایدار باشد. در سپهر سیاست ایران، حکمرانی محیط زیست نه تنها به اهمیت حفاظت از محیط زیست تأکید می کند، بلکه به مطالبه شفافیت در سیاستگذاری ها، مشارکت مردمی و ارتقای آگاهی عمومی در زمینه مسائل محیط زیست نیاز دارد. برای تبیین مفهوم حکمرانی محیط زیست در ایران، نخست لازم است مفاهیم اصلی مانند دولت، حکومت و حاکمیت را در پیوند با شرایط تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی امروز ایران بازنگری کنیم. در این وضعیت دولت در مقام سازمانی نهادینه با اختیارات و وظایف مختلف، مسئول اجرای سیاست ها و برنامه های حاکمیت است. حکومت، ساختاری سیاسی و قانونی است که دارای نظامی اداری برای مدیریت امور عمومی است. حاکمیت به طور کلی به معنای ایجاد نظم و قانون و حفظ آن در جامعه است. در این مفهوم حکمرانی محیط زیست به منزله نوعی ترتیبات نهادی و اجرایی در حوزه محیط زیست مطرح می شود. با توجه به اهمیت مفهوم حکمرانی محیط زیست، تحلیل دقیق تر نهادها و سازوکارهایی لازم است که در ایران برای اعمال حکمرانی محیط زیست اجرایی می شوند. این تحلیل باید نقش اقتصاد، فرهنگ و جوامع بومی و مدنی را در حکمرانی محیط زیست نیز به وضوح نشان دهد. به طور کلی می توان گفت حکمرانی خوب در حوزه محیط زیست نیازمند مشارکت یکایک گروداران اعم از دولت، سازمان های غیردولتی و بخش خصوصی در فرایند تصمیم گیری و مدیریت محیط زیست است که به استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست برای نسل های آینده کمک کند و نیز با اطمینان یافتن از توزیع عادلانه منابع و هزینه های مدیریت محیط زیستی، به ارتقای عدالت اجتماعی و همبستگی سیاسی بینجامد و در آخر با اطمینان یافتن از استفاده کارآمد از منابع طبیعی و محافظت از محیط زیست در برابر تأثیرات منفی فعالیت های اقتصادی، به ارتقای توسعه اقتصادی و ایجاد فضای بسامان کمک کند. در نهایت به نظر می رسد با توجه به مسائل و مشکلات محیط زیست، وضعیت حکمرانی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امروز ایران پیشنهاد پژوهش حاضر می تواند گذار از گفتمان «حکمرانی محیط زیست» به گفتمان «حکمرانی محیط زیست» باشد؛ چراکه این گفتمان چنانکه Pierre (۲۰۰۵)، Sheng (۲۰۱۰) و Deng (۲۰۱۹) بیان کرده اند می تواند به گسترش جامعیت، مشارکت جوامع بومی، فراگیر بودن، شفافیت، برابری، پاسخگویی، اشتراک قدرت، پیش بینی پذیری و پایبندی به حاکمیت قانون بینجامد.

References

- Abdollahi, O., & Faryadi, M. (2010). Legal Challenges facing Iran's Department of Environment. *Environmental Sciences* 7(4), 143-180.
- Adb, A., Furceri, D., & Imf Petia T. (2016). The macroeconomic effects of public investment: Evidence from advanced economies. *Journal of Macroeconomics* 50: 224-240.
- Alikhani, M. (2002). *Fundamental rights: undergraduate courses in political science and judicial law*: Dostan Publications.
- Ashoori, D. (2009). *Encyclopaedia of political science*: Marvarid Publications.
- Ashtarian, K. (2023). *Theories of Public Policy*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Batterbury, S., Pj, F. & Jude, L. (2006). Rescaling governance and the impacts of political and environmental decentralization: an introduction. *World development* 34(11): 1851-1863.
- Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*: OUP Oxford.
- Doornbos, M. (2003). Good Governance: The Metamorphosis of a Policy Metaphor. *Journal of International Affairs*: 3-17.
- Duit, A. (2005). Understanding environmental performance of states: An institution-centered approach and some difficulties.
- Deng, F. (2019); Stakes, stakeholders and urban governance: a theoretical framework for the Chinese city; *Eurasian Geography and Economics*, Volume 59, Issue 3-4, 291-313. <https://doi.org/10.1080/15387216.2019.1570298>.
- Foster, M. B. (2016). *Master of political thought* (Ali Ramin Trans. Vol. 2): Elmifarahangi publications.
- Ghazi, S. A. (Shariat Panahi). (2019). *Droit Constitutionnel et Institutions Politiques*: Mizan Legal Foundation.
- Giddens, A., & Griffiths S. (2006). *Sociology*: Polity.
- Golshan, E. (2006). Sovereignty, government and size of government. *Administrative transformation* 52(10): 33-48.
- Graham, J., Plumptre, T. W. & Amos, B. (2003). Principles for good governance in the 21st century.
- Group Word Selection. (2017). Dictionary of words approved.:<https://apll.ir/>.
- Hafeznia, M. (2022). *An Introduction to the Research Method in Humanities*: SAMT.
- Heywood, A. (2014). *Political Theory: An Introduction* (Alam Abdul Rahman 'Trans.): Ghoomes Publications.
- Janparvar, M., Ghabasefidi, E., Mazandarani, D., & abbasi, F. (2022). Conceptualizing the geographical elite and the role of the elite in geographical studies. *Journal of Geography and Regional Development*.
- Ioris, A. A. R. (2014). *The political ecology of the state : the basis and the evolution of environmental statehood* Abingdon, Oxon ; New York: Routledge.
- Kjær, A. M. (2004). *Governance*. Malden, MA: Polity: Blackwell.
- Levinsohn, J. (2003). *The World Bank's poverty reduction strategy paper approach: good marketing or good policy?*. 21, UN.
- Meehan, E. M. (2003). *From Government to Governance, Civic Participation and 'new Politics': The Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women*: Citeseer.
- Murphy, C. N. (2006). *The United Nations development programme: A better way?* : Cambridge University Press.
- Okoli, C., & Schabram, K. (2015). *A guide to conducting a systematic literature review of information systems research*.
- O'sullivan, N. (2013). *Political theory in transition*: Routledge.
- Oskouhi, M., Esmaili, K. (2021). Analysis of Governance Theories and Water Resources Management in Iran. *Journal of Water and Sustainable Development* 8(1): 1-10.
- Parlak, B., & Korkmaz, F. (2020). European Union as Environmental Governance System *Handbook of Research on Social and Economic Development in the European Union* (pp. 400-416): IGI Global.
- Paul-Wostl, C. (2018). *Water Governance in the Face of Global Change* (Ghorbani Mehdi, Trans.), University of Tehran Press.
- Pierre, J. (2005). Comparative urban governance: Uncovering complex causalities. *Urban Affairs Review*, 40, 446-461. <https://doi.org/10.1177/1078087404273442>.
- Ramezani Qawamabadi M. H., & Simai Saraf, H. (2014). From Ownership to Sovereignty: A Comparative Study of Environment in Islamic Law and Jurisprudence. *Civil Law Knowledge* 3(1): 1-12.
- Robertson, D. (2004). *The Routledge dictionary of politics*: Routledge.
- Sait Edward, M., Foster M. B., Jones W. T., & Lancaster Lane, W. (1941). *Masters of political thought*.
- Sheng, Y. K. (2010). Good Urban Governance in Southeast Asia. *Environment and Urbanization Asia*, 1(2), 131-147. <https://doi.org/10.1177/097542531000100203>.
- Springer, J., Campese, J., & Nakangu Barbara. (2021). The Natural Resource Governance Framework.
- Tamassoki, E., Kolahi, M. (2023). Conceptual Model for Ethical Roots of Environmental Crisis. *Journal of Water and Sustainable Development* 9(4): 77-88.

- Tamassoki, E., Mohammadi Kangarani, H., Ashtariyan, K., Holisaz, A., & Naderi, F. (2021). Problemology of Iran's Environmental Policy-making. Iranian], *Journal of Public Policy*, 7(2), 109-125. doi: 10.22059/jppolicy.2021.82650
- Vincent, A. (2015). *Theories of the State* (Bashiriyeh Hossein 'Trans.): Ney publication.
- yousefi, M. R., & babaei, F. (2018). The Survey of good governance based of the Malek Ashtar letter. Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research, 6(21), 115-135. doi: 10.22084/nahj.2017.8696.1452
- Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third world quarterly*, 21(5): 795-814.
- Zarei, B. (2013). *Theoretical Foundations of the Political Geography*: University of Tehran press.
- Zarei, S., Poorhashemi, S. A., & Pournouri M. (2017). Development of international environmental law in the light of International judicial judgements and precedents. *Journal of Environmental Science and Technology*, 19(3): 195-216.